■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۶۲ ■ شنبه ■ ۵ آذر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۲ | اذان مغرب ۱۷/۱۲ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۸ | اذان صبح فردا ۵/۲۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۲

سخن روز

امام علی(ع):
بزرگوار، نیکوکاری‌های خود را بدهی به گردن خود می‌داند که باید بپردازد و فرومایه، احسان‌های گذشته خود را بدهی به گردن دیگران می‌داند که باید پس بگیرد. غررالحکم، ح ۲۰۳۱ و ۲۰۳۲

نـــگاره

شما قهرمانان این ملتید

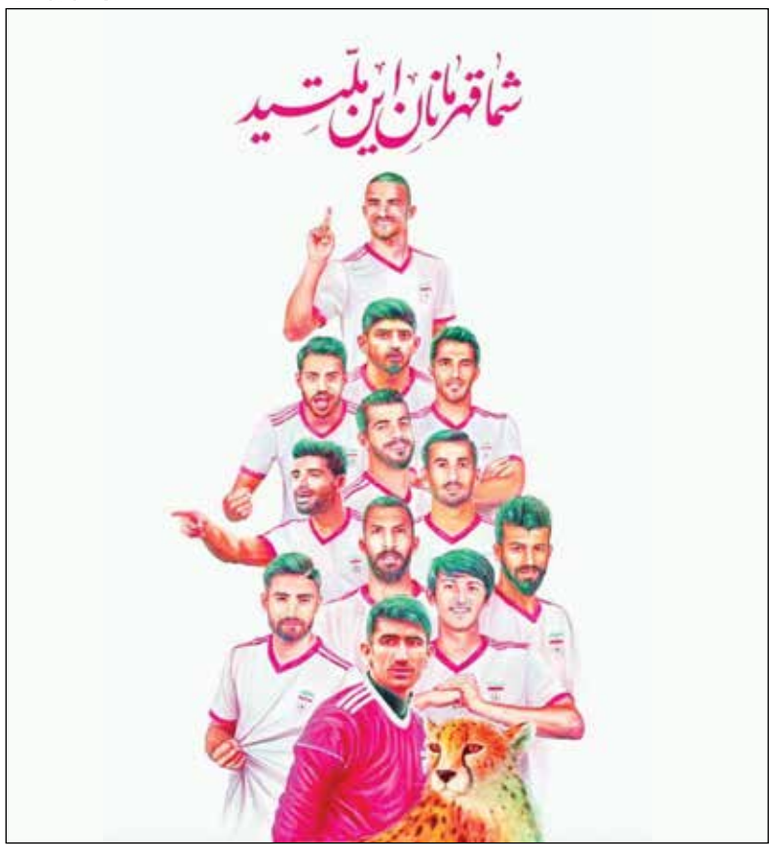

هنرمندان در فضای مجازی

اعتراف خواندنی جیمز کامرون درباره آواتار ۲ و گفته‌اش از حاشیه‌های ساخت تایتانیک، انتشار یک نامه فوتبالی از سهراب سپهری و راهیابی نام محمدرضا اژدری به فهرست ۱۰ آهنگساز برتر جهان از جمله خبرهایی است که در مجازی امروز می‌خوانید.

■ **اعتراف جالب جیمز کامرون!**

با اینکه سال‌ها از اکران و درخشش فیلم تایتانیک گذشته اما هر ازگاهی این فیلم سینمایی به صفحات خبری رسانه‌های جهان بازمی‌گردد؛ از جمله می‌توان به اظهار نظر تازه جیمز کامرون اشاره کرد که نکته جالبی درباره «لئوناردو دی‌کاپریو» یکی از دو نقش اصلی این فیلم گفته است. به گفته کامرون، دی کاپریو حضور در تست تایتانیک را نمی‌پذیرد. بنابراین جیمز کامرون به او می‌گوید که اگر فیلمنامه را نمی‌خوانی، این نقش را نخواهی گرفت!»

کامرون آماده خط زدن او از فیلم بوده که لئو گفته: «صبر کن، یعنی اگر سناریو را نخوانم نقش را نمی‌گیرم؟ که کامرون هم تأکید کرده بود که: «بله. این یک پروژه بزرگ است که دو سال از زندگی شما را می‌گیرد بنابراین من قصد ندارم که با تصمیم‌گیری اشتباه در انتخاب بازیگر، این پروژه را خراب کنم. اگر می‌خواهی بخوان یا اینکه نقش را نمی‌گیری.» دی کاپریو پس از بازی در فیلم‌های عاشقانه رومئو + ژولیت در سال ۱۹۹۶ و تایتانیک در سال ۱۹۹۷ به شهرت بین‌المللی رسید. تایتانیک با بازی دی کاپریو و وینسلت در طول اکران خود به پرفروش‌ترین فیلم تاریخ تبدیل شد که اکنون با فروش ۲،۲ میلیارد دلار، سومین فیلم پرفروش جهان است.

کامرون اظهار نظری هم درباره «آواتار ۲» داشته، اینکه هزینه ساخت دنباله فیلم «آواتار» آنقدر زیاد بوده که این فیلم محکوم به فروشی بالغ بر دو میلیارد دلار در گیشه جهانی است! کامرون»سال‌ها صرف ساخت و فیلمبرداری دنباله‌های «آواتار» کرده است. فیلمبرداری «آواتار: راه آب» در سال ۲۰۱۷ و همزمان با سومین فیلم از این مجموعه که قرار است در سال ۲۰۲۴ اکران شود، آغاز شد. او همچنین در حال کار روی فیلم چهارم و پنجم است که به ترتیب برای اکران در سال ۲۰۲۶ و ۲۰۲۸ برنامه‌ریزی شده است.«آواتار: راه آب» ۱۶ دسامبر در سینماها اکران می‌شود.

■ **انتشار نامه فوتبالی از سهراب سپهری**

این روزها که بحث فوتبال و جام جهانی داغ است ایسنا مطلب جالبی درباره سهراب سپهری و فوتبالی بودنش منتشر کرده است. گویا سپهری اهل فوتبال بوده، آنچنان که خیلی از پنجشنبه‌ها و جمعه‌هایش در امجدیه می‌گذشته و حتی نشریات ورزشی را به دقت می‌خوانده و البته جریان فوتبال ایران و جهان را دنبال می‌کرده است! این شاعر نامه‌ای در اوایل دهه ۱۳۵۰ برای مجله «کیهان ورزشی» نوشته که حاوی نکته‌های جالبی است و وجهی دیگر و کم‌تر شناخته شده‌ای از علایق و روحیات او را به دوستدارانش نشان می‌دهد. در بخشی از این نامه آمده: «چه می‌شد اگر ما بهای اشتراک بلیت‌های مسابقات را به فدراسیون و یا باشگاه‌ها می‌پرداختیم و آنها بلیت مسابقه را برای ما می‌فرستادند، چه موانعی در سر راه موضوع اشتراک هست؟ در کشورهای پیشرفته چه می‌کنند؟ چرا بلندگوی امجدیه قبل از هر مسابقه (چه بزرگ و چه کم‌اهمیت) اسامی بازیکنان و داوران را اعلام نمی‌کند، مگر این کار چقدر وقت گوینده را می‌گیرد؟ این را چطور باید یادآوری کرد؟»

■ **یک ایرانی در میان ۱۰ آهنگساز برتر جهان**

ساخت آهنگ بی‌کلام «نیل» سبب راهیابی نام محمدرضا اژدری، آهنگساز ایرانی به مرحله نهایی داوری یک مسابقه بین‌المللی شد. این آهنگساز، رهبر ارکستر و پیانیست ایرانی، امسال با آهنگ بی‌کلام نیل در مسابقه Hollywood music awards ۲۰۲۲ شرکت کرده بود که حالا نام وی در بین ۱۰ آهنگساز برتر جهان دیده می‌شود.

The Hollywood Music In Media Awards نخستین مجموعه‌ای است که از موسیقی اورجینال در تمام رسانه‌های تصویری در سراسر جهان از جمله فیلم، تلویزیون، بازی‌های ویدیویی، تریلر، تبلیغات تجاری، مستندات و برنامه‌های خاص؛ بهترین‌های جهان را انتخاب می‌کند. اژدری همچنین در مسابقه بین‌المللی fmcontest ۲۰۲۲ هم شرکت کرده و در این مسابقه هم به مراحل پایانی راه پیدا کرده است. سال گذشته آهنگ «رقص باران» از آلبوم «معجزه عشق» با آهنگسازی محمدرضا اژدری توانسته بود با صعود به مراحل نهایی مسابقه بین‌المللی fmcontest ۲۰۲۱ رتبه پانزدهم را در جهان کسب کند.

■ **«زبان گنجشکی» در کتابفروشی‌ها**

کتاب «زبان گنجشکی» قصه‌ای از زندگی امام رضا علیه‌السلام است که به قلم محمدرضا شمس، برای مخاطبان کودک و از سوی انتشارات «به‌نشر» روانه کتابفروشی‌ها شده. این کتاب، داستان خانواده گنجشکی است که روزی ماری به آنها نزدیک می‌شود و نمی‌دانند چگونه می‌توانند خودشان و بچه‌هایشان را از دست مار نجات دهند. تا اینکه امام رضا(ع) از آنجا عبور می‌کنند و یکی از گنجشک‌ها مشکلش را توضیح می‌دهد. در بخشی از متن کتاب آمده: «آقا گنجشکه از توی لانه بیرون پرید. بعدازظهر بود. خورشید گرم و پرنور می‌تابید. آقا گنجشکه این طرف و آن‌طرف را نگاه کرد. هیچ‌کس توی باغ نبود. انگار همه توی لانه‌هایشان خوابیده بودند. آقا گنجشکه به سایه مار که روی دیوار باغ افتاده بود نگاه کرد و جیک جیک پرسروصدایی راه انداخت: کمک! کمک! یکی به ما کمک کنه.»

فرماندهی که همت و متوسلیان را پرورش داد

گلعلی بابایی: این فیلم سینمایی (غریب) که بر اساس زندگی شهید محمد بروجردی ساخته می‌شود، لازم است دربرگیرنده ابعاد شخصیتی مهم او مانند منش اخلاقی و ویژگی فرماندهی‌پروری باشد؛ چون نمی‌توان با یک فیلم به تمام زوایای زندگی ایشان پرداخت. با این حال بر اساس پیشینه سازندگان به موفقیت فیلم «غریب» امیدوارم. نصرت‌الله محمودزاده طی سال‌ها پژوهش توانسته کتاب «محمد؛ مسیح کردستان» را با نگاه به زندگی شهید محمد بروجردی به نگارش درآورد. او از جمله کسانی است که اشراف کامل به شهید بروجردی دارد و همین که نویسنده و کارگردان فیلم سینمایی «غریب» از مشاوره‌های این نویسنده بهره برده‌اند جای امیدواری دارد. آنچه من به شخصه در پژوهش‌هایم درباره شهید بروجردی به‌دست آوردم، این است که ایشان فرمانده فرمانده‌پروری بوده و اکثر نیروهایی که زیردست این شهید بزرگوار خدمت کردند، فرمانده لشکر، تیپ، قرارگاه و... شده‌اند. افرادی همچون احمد متوسلیان، ابراهیم همت، ناصر کاظمی، محسن وزوایی، غلامحسین پیچک، علیرضا موحددانش، علی اصغر رنجبران و... فرماندهان مطرح جنگ هستند که تمامی آنها از دست‌پرورده‌های شهید بروجردی به حساب می‌آیند.

از صحبت‌های این نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس با مهر درباره پروژه سینمایی «غریب»

آدمیزاد حکایتی است.
می‌تواند همه جور حکایتی باشد: حکایت شیرین، حکایت تلخ، حکایت زشت... و حکایت پهلوانی!

سووشون / سیمین دانشور

نقل تفنن نیست فوتبال، فراتر است

طنز

ریحانه ابراهیم‌زادگان
شاعر و طنزپرداز

این روزها بیش از پیش یادمان به جام جهانی بوق-سال پیش می‌افتد؛ خاطر شریفمان می‌آید ما نوه‌های خان‌جان که حالا هر کداممان در آستانه داماد و عروس‌دار شدنیم خودمان یک تیم کامل با نیمکت ذخیره قبراق و سازمند محسوب می‌شدیم به اتفاق ارحام و اقربا همه جمع شدیم خانه خان‌جان جهت تماشای فوتبال ایران و امریکا. خان‌جان از سر گذر تخمه داغ خرید هرکدام را می‌شکستیم به قاعده مشت آدم مغز داشت؛ یکی یک پیاله به هر نفر داد و چند تا پیش دستی چید تا کسی از سر هیجان و کاهلی، دزدکی پوست تخمه با شلیک مستقیم دهان به زمین از سر خود باز نکرده تزاحم نظافت و رفت و روب خانه به دوش دیگری نیندازد.

زن‌ها کمتر حوصله می‌کردند فوتبال ببینند حسب معمول می‌نشستند به گپ و گعده، زرنگ‌ترها چای می‌ریختند و فنجان‌های مستعمل طهارت می‌دادند؛ لاکن خان‌جان در این فقره نیز علیحده بود. سر فوتبال با احدی مطایبه نداشت، لچک گلدار به سیاق ترکمن‌ها دور سرش گره می‌زد و می‌نشست به کری خواندن، بازی ملی بودها، خان‌جان پرسپولیسی بود و کری خودش را می‌خواند.

بازی که اوج گرفت و توپ استیلی گل شد، صداها بالا رفت و نه هیجان مردها قابل کنترل بود نه سرکشی بچه‌ها. می‌پریدیم وسط گل قالی، پیش‌دستی پوست تخمه‌ها مانع مفروض کرده، از رویشان پریده امتیاز می‌گرفتیم.

توپ مهدوی‌کیا که گل شد افسار پاره کرده بودیم، پسرها از لامپ سقف آویزان بودند و دخترها گیس هم را می‌کشیدند و صداها به زور عربده به هم می‌رسید. تفریح و تفنن نبودها، نقل حیثیت بود، جنگ بود. برده بودیم که ناغافل توپ امریکا خزید توی دروازه ایران و دیوارهای خانه لرزید. پسرهای معلق بین زمین و هوا سقوط کردند و گیس دخترها پخش توی هوا پرواز می‌کرد و ما... حین پرش از موانع مفروض، پایمان افتاد توی پیش دستی تا سقف پر از پوکه تخمه و.. خانه ناغافل ساکت شد! نبینید فی‌الحال خانوم و متین و باوقار و باشکوهیم، آتش‌پاره‌ای بودیم روزگار طفولیت، افسارگسیخته!

چند ده جفت چشم خیره مانده بود به پای تا زانو توی پوست تخمه فرورفته ما. خان‌جان با کف دست کوبید روی زانویش که «ای ننه! حالا کدام نگون‌بختی باید زانو بزند با جارونپتون پوست تخمه از دل فرش بروبد.» لله‌الحمد و المنه روزگار طفولیت به خوشی، به خیر گذشت. چه اعصاب‌ها به پاکوب سرکشی ما منقلس شد... بماند!

از پس بوق سال، آقای پسر به همان سن وسال ما، به قلت کم و زیاد، اشتیاق جام جهانی دارد با آن داستان‌ها و ماجراهای اقرب و اعجب پیش آمده، غیرتش به جوش آمده هواداریش قوت گرفته. لاکن تماشای فوتبال این دوره و زمانه با روزگار ما توفیر کرده. جوان‌ترها جمع می‌شوند می‌روند کافه فوتبال تماشا می‌کنند. ما را همان یک نوبه‌ای که رفتیم و سان‌شاین سفارش دادیم و کنار لیوانمان چتر گذاشته بودند به خیال اینکه آب‌نبات است برداشتیم مزه کردیم و عرض و آبرویمان به تاراج رفت کفایت می‌کند. کدام شیر پاک خورده‌ای کاغذ رنگی می‌گذارد توی ظرف اطعمه و اشربه؟

القصه ما که دیگر گذرمان به کافه نیفتاد لاکن بازار تماشای فوتبال در کافه‌ها داغ است. منزل خان‌جان که بودیم همگی آنقدر بخرد و بافراست بودند که حواسشان باشد زبانم لال، دشنام و سب و شتمی، کلام نامربوطی از دهان کسی نپرد. خان‌جان بالای سرشان بود کانه و شیر، یک نگاه معنی‌دارش جهت ملامت آدم بدزبان کفایت می‌کرد. لاکن کدام بزرگتری بالای سر جوان‌های کافه‌نشین، محارست می‌کند هتاکی نشده چشم و گوش بچه مردم به خلاف و خطا باز نشود؟

این کافه‌دارها فقط نشسته‌اند تخفیف جام جهانی می‌گذارند یک قرانشان دوزار شود دلشان برای بچه‌های ما می‌سوخت چهارتا گماشته می‌گذاشتند سر هر میز، نوجوان و کم‌سال اگر می‌آمد، سر هر توپی که گل نمی‌شد یا هرتوپی که توی دروازه خودی قل می‌خورد و فحش و فضیحت بلند می‌شد کف دست‌هایشان را می‌گذاشتند بیخ گوش بچه‌ها مهمل و نامربوطی استماع نکنند.

معهذا با همه سخریه لودگی‌های کافه‌بازی ایام جام جهانی، محاسنی هم در این مبحث دیدیم که به چشم هرکسی نمی‌آید، باید به هوش و فراست و دانش و دغدغه‌داری ما باشید ملتفت نطقمان بشوید. جوان‌ها دور هم گعده می‌کنند با تعلق و تمایل هم‌تراز، مجال انتخاب فراهم می‌شود کفو خویش یافته از تعب و تعسر تجرد مستخلص شده به جرگه متأهلین می‌پیوندند.

مع‌الوصف فوتبال بر همه فصول و نواحی زندگی اثر گذاشته؛ عدیل و مانند ما با چنین و ذکاوت و هوشیاری بی‌بدیلمان اگر چهارنفر دستشان می‌رسید، عهده‌دار می‌شدند از دل همین فوتبال جمله مجردها سروسامان می‌گرفتند.

سرود غیرت

یادداشت

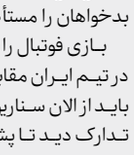

حسام‌الدین برومند

تیم فوتبال ایران در یک بازی تاریخی، توانست با دو گل دلچسب ولز را شکست بدهد و بهترین نتیجه را در ادوار جام جهانی رقم بزند، هم تیم را در جام قطر نگه دارد و هم امیدها برای صعود از گروه خودمان را بیشتر کند و هم دل ۸۰ میلیون ایرانی را شاد کند. از همان ابتدا که بچه‌ها سرود مقدس جمهوری اسلامی ایران را خواندند، معلوم بود که عزم آنها جزم است تا با «غیرت» و «اتحاد» یک پیروزی بزرگ را رقم بزنند. این پیروزی فقط به مسائل فنی باز نمی‌گردد.

درست است که رامین رضاییان در سمت راست تیم ملی خوش درخشید، درست که قلی‌زاده آماده بود و خط دفاعی حریف را بهم ریخت، درست است که طارمی با تجربه بالا توانست یک کارت قرمز را به ولزی‌ها تحمیل کند، درست است که روزبه چشمی معجزه کی‌روش شد تا بازی قبلی را فراموش کنیم، درست است که آزمون به تیر دروازه زد، درست است که کی‌روش سرمربی بزرگی است و... اما ولز برای این زانو زد که دید این ایران، یکدل است و همه برای پرچم ایران تا پای جان به میدان آمده‌اند.

ایران، سرزمین مردان بزرگی است که بارها و بارها افتخارات بزرگ تاریخی به‌دست آورده است. ایران می‌تواند در وقت اضافه، محاسبات را بهم بزند و حریف را آچمز کند. این بازی، نشان داد که بازی مقابل انگلیس یک استثنا بوده است و وقتی بچه‌ها با غیرت به زمین می‌آیند همان ایرانی می‌شوند که همیشه کارهای بزرگ کرده و بدخواهان را مستأصل و منفعل کرده است.

بازی فوتبال را باید فوتبالی دید و تغییرات فنی در تیم ایران مقابل ولز را باید به تحلیل نشست و باید از الان سناریوهای جدید برای بازی با امریکا تدارک دید تا پشتوانه‌ای برای صعود باشد، اما نمی‌شود از بازی روانی و رسانه‌ای دشمنان ملت ایران غافل شد.

همان مدعیانی که رجز سر می‌دهند که مسائل سیاسی را نباید به صحنه ورزش کشاند در روزهای اخیر بالاترین هجمه و عملیات روانی را علیه ایران به میان کشیدند و از هر حربه‌ای استفاده کردند تا ایران و بچه‌های با غیرت فوتبال ما را به حاشیه ببرند و تفرقه در تیم راه بیندازند!

همان پول‌هایی که آشوب و اغتشاش را در ایران در دوماه گذشته راه انداختند، تلاش و تقلای فراوانی کردند که در داخل ایران به بهانه شکست مقابل انگلیس، دوباره دست به اغتشاش بزنند و حتی افرادی را اجیر کردند که با پرچم انگلیس در خیابان‌های تهران خوشحالی کنند! اما یکبار دیگر دچار خطای در تحلیل شدند و نتوانستند بفهمند که ایران بزرگ‌تر از این است که با عملیات روانی و رسانه‌ای، قافیه را ببازد.

شاید کمی صحنه غبارآلود شود و در این میان هیاهویی به باطل بلند شود ولی در نهایت با نشستن غبارها، یک ایران مقتدر و بزرگ رخ می‌نماید که قادر است افتخارآفرین شود و معادلات همه معاندان و بدخواهان ملت ایران را برهم بزند.

این پیروزی بچه‌ها مقابل ولز، یک نماد است؛ نمادی از عنصر غیرت و وحدت که پادزهر سمپاشی‌ها و دغل‌کاری‌ها و فریب‌کاری‌های دشمن پلیدی است که پیشرفت ایران قوی را برنمی‌تابد و نمی‌خواهد مردم ایران را شاد ببیند ولی کور خواندند و دیروز ایران هم فوتبال را برد و هم در صحنه عملیات روانی و رسانه‌ای دشمنان، سربلند بیرون آمد.

تبریک به همه ملت ایران و تسلیت به بی‌بی‌سی و اینترنشنال و مواد و سیا و کومله و تروریست‌ها و تجزیه‌طلبان.

زندگینامه خودنوشت ادیب افغانستانی

پیشنهاد

«محمد سرور» زندگینامه خودگفته محمد سرور رجایی، نویسنده و شاعر افغانستانی است که به گردآوری فروغ زال و با ویراستاری محمدکاظم کاظمی روانه کتابفروشی‌ها شده است.

این ادیب افغانستانی بیش از همه با کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» خاطراتی از رزمندگان افغانستانی دفاع مقدس شهرت یافته، کتابی که دربردارنده مجموعه‌ای از خاطرات رزمندگان افغانستانی دفاع مقدس است. از دیگر نوشته‌های وی می‌توان به کتاب‌های «مأموریت خدا؛ هفت روایت از احمدرضا سعیدی شهید ایرانی جهاد اسلامی افغانستان»، «خون شریکی»، «گل‌های باغ کابل»، «وطندار» و «در آغوش قلب‌ها؛ اشعار و خاطرات مردم افغانستان از امام خمینی» اشاره کرد.

در بخشی از مقدمه کتاب به قلم محمدکاظم کاظمی دیگر نویسنده و شاعر افغانستانی ساکن کشورمان که ویراستاری این اثر را به عهده داشته آمده: «با خودم می‌گویم مگر ممکن است این همه واقعه و روایت و شرح فعالیت‌ها در یکصد صفحه گرد آمده باشد؟ گویا تاریخچه‌ای از جهاد و مبارزه و کار فرهنگی یک گروه از آدم‌ها در سه دهه اخیر افغانستان را پیشِ روی داریم. محور این روایت‌ها یک تن است، اما آنچه روایت می‌شود آنقدر وسیع و گسترده است که گویی جمعی کثیر دست اندرکار آن بوده‌اند و به‌راستی محمدسرور رجایی خود به تنهایی به اندازه گروهی از فرهنگیان ما کار می‌کرد. حدود پانزده سال فعالیت تبلیغی و رسانه‌ای در سنگرهای جهاد افغانستان و حدود پانزده سال دیگر کارهای متنوع و متعدد ادبی و هنری و پژوهشی در مهاجرت، زیستنِ بابرکتی برای محمد سرور رجاییِ رقم زد که گویا هیچ لحظه آن خالی از کار و تلاش نبود. این پُرکاری و اشتغال دائم به کار، امری است که اگر هم نایاب نباشد، نادر است اگر محافل ادبی بود، سَرور رجایی، اگر فعالیت مطبوعاتی بود، سرور رجایی، اگر برگزاری مسابقه ورزشی بود، سرور رجایی، اگر تحقیق و پژوهش میدانی بود، سرور رجایی و اگر امور خیریه بود، سرور رجایی. هرجا که یک مهاجر ما، بخصوص در تهران، در پی این بود که به فعالیت‌های ادبی و هنری مهاجرین متصل شود، سرور رجایی را به او معرفی می‌کردیم.»

مقدمه نخست این کتاب که به همت انتشارات «راه‌یار» دردسترس علاقه‌مندان قرار گرفته به قلم وحید جلیلی نوشته شده، پیش‌گفتار هم از سوی محمدکاظم کاظمی، عضوناپیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و از دبیران سابق جشنواره شعر فجر به رشته تحریر درآمده؛ در نهایت مقدمه‌ای هم از سوی فروغ زال که تدوین و نگارش کتاب را بر عهده داشته منتشر شده است.

بعد از سه‌مقدمه‌ای که اشاره شد، مخاطب با زندگینامه خودنوشت زنده‌یاد محمد سرور روبه‌رو می‌شود؛ او با اشاره به روستای اجدادی‌اش و به تصویر کشیدن فضای خانواده‌ای که در آن متولد شده شروع کرده و در نهایت به چرایی مهاجرتش به ایران، زندگی و فعالیت‌های ادبی‌اش در کشورمان می‌پردازد.

سرورجایی سال ۱۳۴۸ در کابل متولد شد و سال ۱۳۷۳ به ایران مهاجرت کرد. او سپس مدیریت خانه ادبیات افغانستان و همچنین دفتر شعر و داستان افغانستان در حوزه هنری را برعهده گرفت. این کتاب که تحقیق آن برعهده علی ناصری باغبادرانی بوده و تدوین و نگارش آن را هم فروغ زال انجام داده در ۱۲۲ صفحه و از سوی انتشارات راه‌یار روانه کتابفروشی‌ها شده است.

محمد سرور (زندگینامه خودنوشت)
تدوین و نگارش: فروغ زال
انتشارات راه‌یار

انیمیشنی به رنگ امید و شادی

یادداشت

جبار آذین
منتقد سینما

در اوضاع نابسامان و رکود تولید در سینما که گاه اکران تولیدات سال‌های قبل، ازحیات کم جان سینما، نشان دارد، مدتی است نمایش یک فیلم کودکانه درگوشه‌ای ازاین آسمان تیره چشمک می‌زند و توانسته نظر قشرهایی از کودکان و خانواده‌ها و گروه‌هایی از دانش‌آموزان را به سوی خود جلب کند. اکران فیلم‌های اجتماعی و کمدی با حضور چهره‌های شناخته شده سینما، گرچه مخاطبانی داشتند، ولی هیچ‌کدام به اندازه انیمیشن سینمایی «لوپتو» نتوانست استقبال گسترده خانواده‌ها بویژه کودکان را رقم بزنند. استقبال روزافزون و فروش چند میلیاردی این انیمیشن جذاب، مهیج و شاد که با تکنیک سه بعدی ساخته شده، گواه این مدعاست. در دو دهه اخیر تولید انیمیشن در ایران، روندی رو به رشد و صعودی در ساختار هنری و محتواهای همسو با نیازها و خواست‌های مخاطبان داشته است و هنرمندان انیمیشن‌ساز توانسته‌اند، افزون بر کسب رضایت تماشاگران وطنی، آثار خود را درجشنواره‌های سینمایی جهان هم به نمایش در آورد و جوایز و افتخارهایی به دست آورند. انیمیشن تماشایی، مفرح، سرگرم‌کننده و آموزشی لوپتو که با همت و تلاش فراوان سازندگان آن و گذر از مشکلات و موانع بسیار، بر پرده سینماها نقش بسته، تولید استودیوی فراسوی ابعاد و محصول مرکز انیمیشن سوره حوزه هنری است؛ مرکزی که تولیدات متعدد و متنوع، آن را فعال نشان می‌دهد. پیشرفت‌های فنی و تکنیکی و محتوایی انیمیشن‌های ایرانی از توجه خوب هنرمندان این عرصه به کودکان و نقش انیمیشن در ارائه و انتقال مفاهیم و مضامین مناسب انسانی و الهی و اجتماعی به آنها روایت می‌کند. در تولید انیمیشن «لوپتو» به کارگردانی عباس عسگری و تهیه‌کنندگی محمدحسین صادقی و احسان کاوه، جمعی از زبده‌ترین صداپیشگان کشور؛ زنده یاد حسین عرفانی، اکبر منافی، جواد پزشکیان، شوکت حجت و تورج نصر همکاری داشته‌اند. از همین رو، علاوه‌بر مضمون و محتوای عالی، حمایت از تولید ملی و ساختار حرفه‌ای، صداپیشگان هم در توفیق اجتماعی «لوپتو» نقش ایفا کرده‌اند. ایده خوب و بکر و مشوقانه تولید اسباب‌بازی با هدف حمایت از تولید ملی که با محتوا و ساختار این انیمیشن هم همخوانی دارد، مضمون محوری «لوپتو»ی پرمخاطب تولیدشده در کرمان است. انیمیشن موزیکال و شادی‌آور «لوپتو»، اثری قابل توجه و تأمل بوده و با شادی‌بخشی به خانه‌ها و خانواده‌ها و کودکان، دست‌کم برای مدتی اندک، سیمای پژمرده سینما و مخاطبان سینمای فراموش شده کودک را گلگون کرده است.

عکس نوشت

پویش «می‌میرم برات» به منظور پاسداشت ارزش پرچم جمهوری اسلامی ایران و جایگاه آن در تقویت همبستگی ملی و اجتماعی به همت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و با مشارکت شبکه یک سیما برگزار می‌شود. ویژه برنامه «می‌میرم برات» در قالب پویش مردمی در فضای مجازی به‌صورت ارسال عکس، فیلم، صوت و دلنوشته با محوریت گرامیداشت پرچم جمهوری اسلامی ایران و حمایت از تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در حال برگزاری است. آثار ارسالی هر روز در سه بازه زمانی ۱۲، ۱۶ و ۱۸ به مدت ۲۰ دقیقه از شبکه یک سیما پخش خواهد شد و در پایان هر روز، به قید قرعه به ۲۰ نفر هدایایی تعلق می‌گیرد. /ایلنا